



A Critical Analysis of Human Knowledge-Based Approaches to Behavioral Disorders and Elucidation of the Quranic Perspective on the Matter

Seyed Mahmoud Marvian Hoseini ^{1✉} | Ali Jalaeyan Akbarnia ² | Seyed Ali Sajjadizadeh ³ | Ali Akbar Tavallaei ⁴

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: marvian@razavi.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences; and graduate of the Seminary of Khorasan, Mashhad, Iran. Email: jalaeyan@razavi.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: sajjadizadeh@razavi.ac.ir
4. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: tavallaei110@chmail.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Received: 19 November 2024
Revised: 2 February 2025
Accepted: 24 February 2025
Available Online: 16 March 2025

Keywords:
Quran, Behavioral Disorders, God-forgetfulness (Ghaflah), Self-Forgetfulness.



Abstract

Behavioral disorders refer to acute deviant behaviors characterized by either depressive or aggressive actions. Such behaviors are typically disfavored by others, yet the actor derives satisfaction from them. This exploratory-analytical study seeks to establish an epistemological linkage between inductive data from human sciences and interpretive Quranic evidence. In its initial step, this inquiry explicates four general approaches under the umbrella of human knowledge-based perspectives concerning the origins of these disorders: biological, psychoanalytic, behavioral, and humanistic. After delineating and critically evaluating these views, the study explicates an Islamic Quran-based theory concerning the underlying environments and origins of these disorders. The findings indicate that while each of the four approaches partially explains the origins of behavioral disorders, none provides a comprehensive argument. From the Qur'anic perspective, the most fundamental cause of behavioral disorders is forgetfulness of God (ghaflah). The consequence of such heedlessness is neglecting the precious essence of human existence and the principal objectives of creation, leading ultimately to behavioral abnormalities. The objective of this research is to present a reasoned, comprehensive, and Quranic approach for behavioral science researchers toward identifying and explaining the factors and backgrounds of these disorders within the human functional system, thereby opening a new avenue in this field.

Cite this article: Marvian Hoseini, M.; Jalaeyan Akbarnia, A.; Sajjadizadeh, A. (2025). A Critical Analysis of Human Knowledge-Based Approaches to Behavioral Disorders and Elucidation of the Quranic Perspective on the Matter. *Quranic Doctrines*, 22(41), 67-95. <https://doi.org/10.30513/qd.2025.6524.2457>





تحلیل انتقادی رویکردهای مبتنی بر دانش انسانی به اختلالات رفتاری و تبیین دیدگاه قرآن در این باره

سید محمود مرویان حسینی^۱ | علی جلائیان اکبرنیا^۲ | سید علی سجادی زاده^۳ | علی اکبر تولایی^۴

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: marvian@razavi.ac.ir

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ دانش آموخته حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: jalaeyan@razavi.ac.ir

۳. استادیار، گروه فقه و اصول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: sajjadizadeh@razavi.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: tavallaei10@chmail.ir

چکیده

اختلالات رفتاری به معنای رفتار انحرافی حاد است که کنش‌های پرمرده‌گونه یا یورش‌آمیز را شکل می‌دهد. این رفتارها، مورد پسند اطرافیان و مخاطبان نیستند، ولی کنشگر از آن‌ها احساس رضایت می‌نماید. این پژوهش به روش اکتشافی - تحلیلی، به دنبال ایجاد ارتباط معرفتی بین داده‌های استقرایی علوم انسانی و داده‌های تفسیری قرآنی می‌باشد. در گام نخست این جستار در مورد سرمنشأ پیدایش این اختلالات، چهار رویکرد ذیل، با عنوان عمومی رویکردهای مبتنی بر دانش انسانی، تبیین شده است: بیولوژیکی، روان‌تحلیل‌گری، رفتاری و انسان‌گرایی. پس از تبیین و نقد این دیدگاه‌ها، به تبیین نظریه قرآن بنیان اسلامی درباره بسترها و مناشی این اختلالات پرداخته شده است. دستاورد نوشتار آن است که هر یک از رویکردهای چهارگانه پیش‌گفته بیانگر بخشی از سرچشمه‌های اختلالات رفتاری اند، اما به‌گونه‌ای فراگیر قابل استدلال نیستند. در رهاورد قرآنی، بنیادی‌ترین مایه ایجاد اختلالات رفتاری، خدا فراموشی است. پیامد این غفلت، به فراموشی سپردن گوهر ارزشمند وجود آدمی و اهداف اصلی آفرینش است که نتیجه‌اش ایجاد ناهنجاری‌های رفتاری است. هدف از این تحقیق ارائه رویکردی مستدل، جامع و قرآنی، برای محققان علوم رفتاری به منظور شناسایی و تبیین عوامل و زمینه‌های این اختلالات در نظام عملکرد آدمی است تا بابتی جدید در این عرصه برای ایشان باز شود.

استناد: مرویان حسینی، سید محمود؛ جلائیان اکبرنیا، علی؛ سجادی زاده، سید علی. (۱۴۰۴). تحلیل انتقادی رویکردهای مبتنی بر دانش انسانی به اختلالات رفتاری و تبیین دیدگاه قرآن در این باره. آموزه‌های قرآنی، ۲۲(۴۱)، ۶۷-۹۵.

<https://doi.org/10.30513/qd.2025.6524.2457>

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

کلیدواژه‌ها

قرآن، اختلالات رفتاری، غفلت، خودفراموشی.





مقدمه

«اختلالات رفتاری» ترکیبی است متشکل از دو واژه «اختلال» و «رفتار». «اختلال» واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی وارد شده و ریشه آن در زبان عربی از «خلل» به معنای اضطراب (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۸۰)، لاغر شدن و شکاف بین دو چیز است (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۱۹). در زبان عربی گفته می‌شود: «اختلال الامر» یعنی کار سست و بی پایه شد، خراب و تباه گردید (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۱۵). به لباس مندرس و کهنه، و شکاف لباس نیز «خل» می‌گویند (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۵، ج ۳۶۵). فارسی شده آن را بی سروسامانی، بی نظمی و بی ترتیبی دانسته‌اند (دهخدا، ذیل واژه). در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اختلال را به معنای نابهنجاری، «نوعی مریضی جسمی یا ذهنی» دانسته‌اند (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ذیل واژه).

کلمه «رفتار»^۱ در زبان فارسی به صورت اسم مصدر و از مصدر «رفتن» مشتق شده است (انوری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۶۴۶) و به معنای سلوک، روش و عکس العمل آمده است (دهخدا، ذیل واژه). برخی از لغت‌دانان به طرز معاشرت (مجموعه کارها و رابطه‌های اجتماعی یک شخص) رفتار می‌گویند (انصاف‌پور، ۱۳۷۹، ص ۴۹۳). «رفتار» مترادف با «عمل» و «فعل» در زبان عربی است (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۲۱۲). ساده‌ترین تعریفی که از «رفتار» می‌توان به دست داد این است که گفته شود: رفتار یعنی عملی که از فرد سر می‌زند یا سخنی که بر زبان می‌آورد (جولیوس گولد و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۴۱). اما در روان‌شناسی رفتاری این اصطلاح دقیق‌تر تعریف می‌شود: به هر فعالیت^۲ که ارگانیسم^۳ (جاندار) انجام می‌دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه‌گیری، قابل مشاهده یا اندازه‌گیری است رفتار اطلاق می‌گردد. بنابراین، رفتار، هم شامل حرکات بیرونی، هم شامل حرکات درونی و هم شامل فعالیت غددی می‌گردد (سیف، ۱۴۰۲، ص ۴۱). در روان‌شناسی، «رفتار» مترادف با «پاسخ»^۴ و «عملکرد» (سیف، ۱۴۰۲، ص ۴۲) آمده است (جولیوس گولد و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸).

با این حال، با مراجعه‌ای اجمالی به کتب روان‌شناسی آشکار می‌گردد که شیوه‌ای دقیق و ساده برای توصیف اختلالات رفتاری وجود ندارد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۳۱؛ شکوهی یکتا، ۱۳۸۴،

1. Behavior

2. Activity

3. Organism

4. Response



ص ۱۳). به رغم نبود تعریفی دقیق از این بیماری، اندیشمندان روان‌شناسی نکات مشترکی را که بر سر آن توافق نسبی دارند بیان نموده‌اند که عبارت‌اند از افراطی بودن رفتارها، هیجانی و مزمن، عدم قبول آحاد جامعه، مانعی برای رشد افراد (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۱۶-۱۷) و برخی از آنان بر این باورند با ارتکاب عمل کار خوبی^۵ انجام می‌دهند. با توجه به این نکات مشترک، اختلال رفتاری یعنی رفتار انحرافی حاد که شامل اعمال یورش‌آمیز و پژمرده‌گونه و به دور از توقع طرف مقابل است و امید به توقف این رفتار را دارد، لکن مرتکب عمل احساس رضایت‌مندی از این رفتار را دارد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۳۱-۳۴).

اختلالات رفتاری واقعیتی انکارناپذیر در زندگی انسان‌هاست. دانستن منشأ این اختلالات، دغدغه دانشمندان در طول قرن‌ها، به ویژه در دو قرن اخیر بوده است. برای شناخت منشأ این اختلالات، دانشمندان رویکردهای گوناگونی مبتنی بر ویژگی‌های زیستی، روانی، رفتاری و انسان‌محوری برگزیده‌اند. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که قرآن مجید چه مؤلفه‌هایی را درباره سرچشمه ایجاد این اختلالات معرفی می‌کند؟ رویکردهای پیش‌گفته تا چه میزان در شناساندن سرچشمه این اختلالات راهگشا بوده‌اند؟ این جستار به روش توصیفی-اکتشافی و با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای در پی تبیین دیدگاه‌های ذکرشده است. برای دست یافتن به این هدف، پس از تبیین رویکردهای دانش بشری به اختلالات رفتاری، به نقد و بیان مختصر کاستی‌های هر یک از رویکردها پرداخته شده و در گام بعدی، دیدگاه قرآنی در این باره تبیین گردیده است.

پیشینه پژوهش: پژوهش‌های اختلالات رفتاری و مسائل آن با رویکردهایی شکل گرفته است. حسب جست‌وجوی به عمل آمده، دانشورانی در عصر کنونی به دنبال بیان رویکردهای موجود در اختلالات رفتاری بوده‌اند. گزارشی از برخی نگاشته‌های آن‌ها به شرح ذیل است:

- ریتا ویکس نلسون و همکار در کتاب مفصل اختلالات رفتاری کودکان (۱۳۸۰؛ ترجمه رضوانی)، مهم‌ترین رویکردها به اختلالات رفتاری را تبیین نموده‌اند. نویسندگان در این کتاب به سه رویکرد زیستی، روان‌تحلیل‌گری و رفتارگرایی پرداخته و به میزان تأثیرگذاری آن‌ها اشاره کرده‌اند.
- شکوهی یکتا و همکاران در بخشی از کتاب اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان (۱۳۸۴) کوشیده‌اند تا مفهوم واضحی از این واقعیت جامعه بشری به مخاطبان خود ارائه نمایند.

۵. «يَخْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْيُونَ صُفْعًا» (کهف/۱۰۴).



■ در کتاب اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن به خامه خانم دکتر سیف‌نراقی و همکاران (۱۳۹۸)، به شایستگی به تبیین رویکردهای مبتنی بر دانش بشری پرداخته شده است.

■ ابوترابی (۱۳۸۶) در کتاب نقد ملاک‌های بهنجاری در روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی، در ذیل مباحث خود اشاره‌ای به رویکردهای موجود در باب اختلالات رفتاری داشته است.

حسب جست‌وجوی نگارندگان، مقالات فراوانی درباره اختلالات رفتاری نگاشته شده است، لکن در آن‌ها غالباً راهکارهای درمان بررسی شده و به رویکردهای موجود در این زمینه توجه نگردیده است.

با وجود این تلاش‌های شایسته تحسین، پژوهشی را نمی‌توان یافت که به شکلی مستقل به تبیین رویکردهای موجود به اختلالات رفتاری پرداخته باشد. در پژوهش حاضر ضمن تشریح رویکردهای موجود در بحث اختلالات رفتاری، نگاهی نقادانه و روان به این رویکردها شده است. وجه نوآوری دیگر پژوهش، استظهاری نوین از آیات قرآن در تبیین رویکردی قرآنی به این مقوله است.

این پژوهش به دلیل بهره‌برداری از دانش‌های روان‌شناسی و رفتارشناسی و مبانی و تحلیل‌های قرآنی، در قامت پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد و به لحاظ تبیین موضوع اختلالات رفتاری در نگره قرآنی، در رده تفسیر موضوعی قرار دارد.

۱. رویکردهای مبتنی بر دانش انسانی

دانشمندان علوم مختلف نسبت به اعمال و رفتار آحاد جامعه رویکردهای متفاوتی دارند. پدیده‌های روان‌شناختی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و آن را با چندین رویکرد تحلیل نموده‌اند، به گونه‌ای که هر یک از این رویکردها سهمی در تصویر ما از تمامیت وجود هر فرد دارد. مراد از عبارت «رویکردهای مبتنی بر دانش بشری»، دستاوردهایی در مجموعه یافته‌های بشری است که تنها مبتنی بر تجارب، آزمایش‌ها و تحلیل‌های عقلانی بوده و از منبع وحی سود نجسته است.

در ارتباط با منشأ اختلالات رفتاری نیز رویکردهای گوناگونی مطرح است و اندیشمندان

تلاش نموده‌اند تا با بهره‌گیری از دانش خود به تحلیل این پدیده بپردازند. در این بخش، پس از تبیین مختصر چهار رویکرد مطرح درباره اختلالات رفتاری، به بررسی و نقد مختصر آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱-۱. رویکرد بیولوژیکی

کهن‌ترین رویکرد به اختلالات رفتاری، رویکرد بیولوژیک است. نظریه بیولوژیکی در کلی‌ترین شکل خود، حکایت از این دارد که مهم‌ترین عامل ایجاد و رشد اختلالات رفتاری، عامل بیولوژیک است (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۴۹؛ شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۴۹). در این دیدگاه مغز آدمی با بیش از ده میلیارد یاخته عصبی و پیوندهای بی‌شمار بین آن‌ها احتمالاً پیچیده‌ترین ساختار در عالم هستی است. نخستین بار بقراط معتقد بود که فکر زمانی کارکرد خوبی دارد که ساختمان مغز سالم باشد. او بدن را منشأ همه رفتارها می‌دانست (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۴۹؛ شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۴۹).

به منظور درک بهتر چگونگی کارکرد عوامل بیولوژیک، لازم است ساختمان مغز، سیستم عصبی، کارکردهای بیوشیمیایی و همچنین تأثیرات ژنتیکی را دقیق بررسی نمود. اما به طور اجمال می‌توان این طور گفت: اصولاً تمام رویدادهای روانی به نحوی متناظر با فعالیت مغز و دستگاه عصبی‌اند. در رویکرد زیست‌شناختی، با بررسی آدمی و انواع دیگر جانداران سعی می‌شود پیوند رفتار آشکار با رویدادهای برقی و شیمیایی که در بدن و به ویژه در مغز و دستگاه عصبی صورت می‌گیرند، شناخته شود. این رویکرد در پی تعیین آن دسته از فرایندهای زیستی-عصبی‌اند که زیربنای رفتار و فرایندهای ذهنی را تشکیل می‌دهند. برای مثال، در رویکرد زیستی به افسردگی، سعی می‌شود این اختلال بر حسب تغییرات غیرعادی در میزان انتقال‌دهنده‌های عصبی تبیین شود. این انتقال‌دهنده‌های عصبی موادی شیمیایی‌اند که در مغز تولید می‌شوند و ارتباط بین نورون‌ها یا یاخته‌های عصبی را میسر می‌سازند (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۴۹-۵۴).

۱-۱-۱. ارزیابی رویکرد بیولوژیکی

تأثیر هر یک از جسم و روح بر دیگری مسلم است، اما این‌که رفتار انسان نتیجه مستقیم عوامل بیولوژیک باشد و از عوامل تأثیرگذار دیگر غفلت شود، غیرقابل پذیرش است. امروزه بیشترین



نقشی که برای عوامل بیولوژیک می‌توان قائل شد، تعامل پیچیده وراثت^۷ است که نقش بسزایی در انسان‌ها دارد. «وراثت» شامل تمام عواملی می‌شود که در هنگام انعقاد نطفه فرد حضور دارند (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۵۸). زن‌ها به‌طور غیرمستقیم در ساخت هوش، توانایی گویایی، رفتار اجتماعی و احساسات یا عاطفی بودن انسان نقش دارند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۱۹). اما به عقیده برخی صاحب‌نظران، رفتار آدمی به‌تنهایی نتیجه مستقیم عوامل بیولوژیک نیست و عوامل دیگری در نوع عملکرد آدمی نقش دارد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹-۱۴۰). رفتار انسان مانند بسیاری از پدیده‌ها دارای علل جزئی متعدد است که مجموع آن‌ها علت کلی بروز رفتار به شمار می‌آید. برای نمونه، علامه طباطبایی غرایز را در صدور افعال مؤثر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۸۹). اراده یکی دیگر از اجزایی است که علامه بر نقش آن در صدور رفتار تأکید دارد (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱). در آثار علامه به نقش «حال»، «عادت» و «ملکه» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۳۳۸)، وسایل و ابزار فیزیکی (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۷۵)، و شرایط زمانی و مکانی (طباطبایی، ج ۳، ص ۵۲) در صدور رفتار انسان نیز توجه شده است.

۲-۱. رویکرد روان‌تحلیل‌گری

روان‌تحلیل‌گری^۸ یکی از روش‌های مهم روان‌درمانی است که زیگموند فروید^۹ (۱۸۵۶-۱۹۳۹م) پی‌ریزی کرد (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۶۶). نظریه روان‌تحلیل‌گری فروید اولین تلاش منظم در قرن ۱۹ میلادی به‌منظور درک اختلالات رفتاری با توجه به اصول روان‌شناختی است (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۲۷۶).

شناخته‌شده‌ترین نظریه‌ای که در مورد اختلالات وجود دارد، این نظریه است (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۴). طرف‌داران این نظریه علت رفتار نامناسب را عوامل درونی می‌دانند و معتقدند در صورت شناخت عامل، مشکل فرد حل می‌شود (فرقانی رئیسی، ۱۳۸۰، ص ۲۹). فرض بنیادی در نظریه فروید در آثار اولیه این است که بخش عمده رفتار، ریشه در فرایندهای ناهوشیار^{۱۰} دارد. عقیده فروید درباره ذهن ناهوشیار با اشتیاق تمام مورد استقبال مردم آمریکا قرار گرفت (دوان

7. Heredity

8. Psychoanalytic theory

9. Sigmund Freud

10. unconscious



پی، شولتز، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳). فروید معتقد بود بسیاری از تکانه‌هایی^{۱۱} که در دوره کودکی با منع، تنبیه والدین یا جامعه روبه‌رو شده‌اند، برخاسته از غریزه‌های درونی فرزند (مجد، ۱۳۸۶، ص ۵۵۷-۵۵۸). منع آن‌ها فقط سبب می‌شود از حیطة آگاهانه به حیطة ناهوشیار رانده گردند، همان‌جا ماندگار شوند و بر رؤیاهای لغزش‌های لفظی^{۱۲}، و اطوار قالبی^{۱۳} اثر بگذارند و به‌صورت مشکلات هیجانی و نشانه‌های^{۱۴} بیماری روانی، یا برعکس به شکل رفتارهای مورد پذیرش جامعه مانند فعالیت هنری و ادبی جلوه‌گر شوند (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۳۸-۴۱).

فروید بعدها در تبیین و تشریح ساختار پویایی شخصیت انسان تجدیدنظر نمود (دوان پی، شولتز، ۱۳۸۴، ص ۴۶۸) و سازه‌های «نهاد»^{۱۵}، «خود»^{۱۶} و «فراخود»^{۱۷} را پایه‌ریزی نمود (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۵۵). هسته مرکزی نظریه فروید درباره ذهن بشر، غریزه‌های خدادادی زیستی است. او بیان می‌دارد که دو غریزه در تمام افراد وجود دارد (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۰۱): «ایروس»^{۱۸} یا غریزه زندگی که انرژی آن جنسی است. «تاناتوس»^{۱۹} یا غریزه مرگ؛ غریزه‌ای پرخاشگر با هدف از بین بردن زندگی (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶).

این نظریه رشدی بر دوران اولیه کودکی تأکید بسیار دارد (دوان پی، شولتز، ۱۳۸۴، ص ۴۴۷) و معتقد است مشکلات روانی کودکان و بزرگسالان از مشکلاتی ناشی می‌شوند که فرد در خلال چند سال اول زندگی تجربه کرده است (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). فروید معتقد است که تمام حوادث، در ضمیر ناخودآگاه کودک نقش می‌بندد و در رفتار و تصمیم‌گیری‌های افراد ظاهر می‌شود (فرقانی رئیسی، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

11 . impulses

12 . slipe of speech

13 . mannerisms

14 . symptoms

15 .Id

16 .Ego

17 . Superego

18. Eros

19. Thanatos



۱-۲-۱. ارزیابی رویکرد روان‌تحلیل‌گری

به‌رغم اصلاحاتی که در سال‌های بعد در نظریه فروید ایجاد شد، بسیاری از فرضیه‌های فروید، نقدپذیرند. بیشتر انتقادهایی که بر نظریه تحلیل روانی وارد می‌شود، از عدم ثبات آن حکایت دارد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). مهم‌ترین این ایرادات عبارت‌اند از:

۱-۲-۱-۱. ناممکن بودن روش تحقیق

فرایندی که فروید در سر دارد، روانی، درونی و غالب اوقات ناخودآگاه است. ازاین‌رو، بررسی آن اگر غیرممکن نباشد، دشوار است (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۵-۳۱۶). اگر روانی و ناخودآگاه باشد، امکان بررسی آن وجود ندارد، چراکه غیرقابل دسترسی است و نمی‌توان بر پایه امری غیرقابل دسترسی، فرایندی را سامان داد و نتایجی به دست آورد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲).

۱-۲-۱-۲. افراط در اثرگذار دانستن غریزه جنسی

حتی برخی از نظریه‌پردازان که بخش اعظم نظریه تحلیل روانی فروید را می‌پذیرند، بر تأکید فروید در مورد لذت جنسی صحنه نمی‌گذارند و سال‌های اولیه عمر را پایه رشد نمی‌دانند (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲-۱۳۳). تصویر فرویدی از انسان به مراتب حیوانی‌تر از تصویری است که داروین از انسان ارائه کرده است (هیلگارد، ۱۴۰۱، ص ۴۶۴). برای انحطاط انسان از مقام انسانیت و ورود به منزلت حیوانی، عاملی بالاتر از این سراغ نداریم که کنش‌ها و واکنش‌ها و گرایش‌های انسان را حاصل انباشتی از غرایز بدانیم (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۹۹). فروید نقش جنسیت و غریزه جنسی را در رشد شخصیت، محوری دانسته و نظریه خود را بر این اساس بنا نهاده است (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۶).

۱-۲-۱-۳. ناهم‌ترازی سلسله مراتب

فروید در تبیین مراحل رشد، معتقد است عمده انرژی حیاتی «لیبدو»^{۲۰} روی یک عضو از بدن متمرکز است. این نظریه به هیچ وجه قابل اثبات نیست. ضمن این‌که جای این سؤال باقی است که لیبدو چه سنخ از انواع انرژی است؟ (هیلگارد، ۱۴۰۱، ص ۳۱۶-۳۱۹). بی‌پاسخ ماندن باورمندان این دیدگاه به این سؤال سبب وارد آمدن اشکالی بنیادین به مبانی آن خواهد شد.

۳-۱. رویکرد رفتاری

با فرارسیدن دهه دوم قرن بیستم، تجدیدنظری جدی در علم روان‌شناسی صورت پذیرفت. این

20. Libido



جنبش تازه، رفتارگرایی^{۲۱} نام گرفت. رهبر این جنبش، روان‌شناس جوانی به نام جان. بی. واتسون^{۲۲} بود (دوان پی، شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶). مفهوم کلی نظریه یادگیری این است که اختلالات دوران کودکی به همان طریقی به کودک می‌رسد که سایر رفتارها به او می‌رسد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵). در این نظریه باور این است که رفتار نامناسب یا مشکل رفتاری به علت آموزش و یادگیری از محیط به تدریج به صورت تقریباً ثابت در رفتار فرد تجلی می‌کند (فرقانی رئیسی، ۱۳۸۰، ص ۳۰). واتسون با انتشار اولین کتاب، از دیدگاه یک رفتارگرا، به رقابت با روان‌تحلیل‌گری پرداخته است و این‌گونه می‌نگارد:

” روان‌شناسی، آن‌گونه که رفتارگرا آن را تلقی می‌کند، یک شاخه کاملاً عینی و آزمایشی از علوم طبیعی است (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۹).

واتسون برخلاف فروید، بر رویدادهای قابل مشاهده تأکید داشت، و به‌ندرت درباره اثبات‌گرایی بحث می‌کرد. بدین سان، رفتارگرایان به جای استفاده از روش‌های بالینی، از روش‌های آزمایشگاهی، عینی و تجربی استفاده می‌کردند (دوان پی، شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۸۷). در نتیجه می‌توان این‌طور گفت: نظریه روان‌شناسی واتسون نشئت‌گرفته از نظریه تکامل است (دوان پی، شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۸۸).

همان‌طور که واتسون بیان کرده است، تنها روش‌های عینی تحقیق در آزمایشگاه رفتارگرا پذیرفته می‌شوند، لذا روش‌هایی را برای آن بیان نموده است (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۶)، اما هر کدام از آن‌ها جنبه متفاوتی از روند یادگیری را شرح می‌دهند، که در ادامه به تبیین مختصر آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۱. شرطی‌سازی کلاسیک

اصطلاح شرطی شدن کلاسیک را نخستین بار ایوان پاولف^{۲۳}، فیزیولوژیست روسی، پیشنهاد داد. مشاهده ابتدایی که پاولف را به این نظریه سوق داد، این بود که بزاق دهان سگ‌ها صرفاً با دیدن کسی که قبلاً چند بار به آن‌ها غذا داده است، ترشح می‌شود، حتی اگر آن شخص اکنون

21. Behaviorism

22. John B. Watson

23. Ivan Pavlov



غذایی به همراه نداشته باشد. مطالعات واتسون که بر اساس الگوی پاولف صورت گرفته است، به دلیل تأثیر بسیاری که بر کاربرد شرطی شدن کلاسیک در مورد مشکلات انسان دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).

بر این اساس، جان واتسون بر این باور است که عواطف عمیق در انسان ممکن است از طریق شرطی شدن کلاسیک ایجاد شوند. نمونه‌هایی از این شرطی شدن عبارت‌اند از: شرطی شدن ترس (اختلال رفتاری) در کودکی با دیدن کلاه پوستی سفیدرنگ، چراکه خرگوشی سفید سابقاً دست او را گاز گرفته بود (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۵۷-۵۹).

پاولف گزارشی مقدماتی از یافته‌هایش را در سال ۱۹۲۳، پس از ۲۰ سال عرضه نمود. این فاصله طولانی تحقیق نه تنها بر گستره تحقیق بلکه به راستی و درستی تحقیقات پاولف شهادت می‌دهد (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۳۱).

۱-۳-۲. شرطی کردن ابزاری

نظریه شرطی سازی ابزاری یا به اصطلاح «ثرندایک»^{۲۴} فرایندی است که برای اولین بار، بی. اف. اسکینر^{۲۵} آن را شرح داد. او معتقد بود که انسان و حیوان وقتی می‌خواهند چیز تازه‌ای یاد بگیرند از ابتدا موفق نمی‌شوند، بلکه در ابتدا لغزش‌هایی دارند که به تدریج از میزان لغزش‌های آنان کاسته می‌شود. به تعبیری، مشخص‌ترین یادگیری در انسان‌ها و حیوان‌ها یادگیری از راه تجربه کردن است. این نوع یادگیری، کوشش و خطا نامیده شده است (دوان پی. شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹). این نظریه احتمالاً بیش از هر چشم‌انداز رفتاری دیگر، درباره اختلالات کودکان و نوجوانان به کار می‌آید. شرطی سازی ابزاری بر پیامدهای رفتاری تأکید دارد. رفتار را می‌توان از طریق فرایندهایی نظیر تقویت، خاموش سازی و تنبیه، یا آموزش کاهش داد و در بعضی شرایط از بین برد یا ابقا کرد (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۳۷-۱۳۸).

ثرندایک پس از تحقیقات خود عوامل و شرایط مؤثر بر یادگیری انسان را به شکل سه قانون اصلی ذیل معرفی کرد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳):

۱-۳-۲-۱. قانون اثر

این قانون نشان‌دهنده این واقعیت است که در جریان آزمایش و خطا، هر گاه بین محرک و پاسخ

24. Thorndike

25. B. F. Skinner



رابطه خوشایند و لذت بخشی پدید آید، آن رابطه تقویت می شود و برعکس، اگر با درد و رنج توأم باشد، از آن رابطه می کاهد (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۶).

۱-۳-۲. قانون آمادگی

قانون یا اصلی در یادگیری است که ثنردایک کشف کرده است. بنابر این قانون، یادگیرنده زمانی موضوعی را یاد می گیرد که آمادگی بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و تجربی لازم را داشته باشد (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳). برعکس اگر آمادگی لازم را نداشته باشد انجام دادن آن برای وی رنج آور و ناگوار خواهد بود (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۷).

۱-۳-۳. قانون تمرین و تکرار

هر قدر محرکی را که پاسخ رضایت بخش به دنبال دارد بیشتر تکرار کنیم، رابطه بین محرک و پاسخ مستحکم تر و پایدارتر خواهد شد و بالعکس؛ یعنی بر اثر عدم تکرار، پیوند میان محرک و پاسخ ضعیف تر و سست تر می شود (شعاری نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۳۳). ثنردایک معتقد است که تمرین باید متنوع، معنادار، هدف دار و به قدر کافی تقویت کننده باشد (سیف، ۱۴۰۱، ص ۲۸).

۱-۳-۳. یادگیری مشاهده ای

در نیمه دوم قرن بیستم، شخصی به نام آلبرت بندرو^{۲۶} (۱۹۶۴) بیش از سایر پژوهشگران به یادگیری مشاهده ای^{۲۷} یا الگوسازی توجه کرد. نظریه یادگیری اجتماعی، هم از اصول شرطی سازی کلاسیک و فعال استفاده نموده است و هم اصولی را جهت تبیین رفتار اجتماعی انسان اضافه کرده است (بیابانگرد، ۱۳۹۰، ص ۳۱). او معتقد است بیشتر یادگیری های آدمی نه از طریق تجربه مستقیم بلکه به واسطه تجربه غیرمستقیم و شاهد و ناظر بودن بر تجربه دیگران حاصل می شود (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۵۹-۶۰). بندرو در مورد پیدایش و درمان اختلالات رفتاری مطالعات بسیاری کرد و در مطالعات خود نشان داد که کودکان قادرند رفتارهای گوناگونی نظیر پرخاشگری، همکاری و مشارکت را از طریق مشاهده دیگران یاد بگیرند. این مطالعه ها نشان می دهد که چگونه یادگیری مشاهده ای می تواند باعث ایجاد مشکل رفتاری یا درمان آن شود (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

به عقیده بندرو کودک اختلال رفتاری را از طریق مشاهده مدل می آموزد. بندرو در تجربه

26. Albert Bandura

27. Observational learning



بسیار معروف خود فیلمی ۵ دقیقه‌ای را به کودکان نشان داد. در این فیلم یک بزرگسال با عروسکی رفتار پرخاشجویانه داشت. دسته‌ای از کودکان مشاهده کردند در صحنه آخر فیلم، برای رفتار پرخاشگرانه خود پاداش دریافت نمود. دسته‌ای دیگر تنبیه را مشاهده نمودند و دسته‌ای دیگر صحنه آخر را مشاهده نکردند. بعد از این فیلم، هر کودک به تنهایی وارد اتاق بازی شد و آزادانه مشغول بازی گردید. همان‌طور که حدس زده می‌شد، افرادی که تنبیه آخر فیلم را مشاهده نموده بودند، رفتار پرخاشگری کمتری داشتند (شکوهی یکتا، ۱۳۸۴، ص ۶۰-۶۱). این مطالعه نشان داد که آموختن رفتار پرخاشجویی و نیز نحوه تظاهر آن توسط کودک، به پیامد رفتار مورد نظر بستگی دارد. اگرچه یادگیری مشاهده‌ای ساده به نظر می‌رسد، ولی فرایندی پیچیده است، چراکه متغیرهای متعددی بر فرایند تقلید تأثیر می‌گذارند (نلسون و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۰).

۱-۳-۴. ارزیابی رویکرد رفتاری

رویکرد رفتاری به رغم داشتن مزایای فراوانی چون قابل فهم بودن برای همگان، نشان دادن جزئی‌ترین مباحث، نشان دادن مراحل رشد انسانی، و تأثیر فراوان بر کودکان، اشکالات عمده‌ای دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱-۳-۴-۱. تک‌بعدی بودن

انسان با سایر موجودات عالم تفاوت اساسی دارد. ترکیب انسان از روح و بدن با همه اجزا و ابعاد ویژه‌ای که دارد، حقیقی است نه اعتباری. بنابراین انسان وجود واقعی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۹). به تعبیر شهید مطهری، «انسان یک موجود مرکب است. این حقیقت را نباید فراموش کرد که در انسان واقعاً دو «من» حاکم است» (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۳۴). با توجه به این ویژگی منحصر به فرد انسان، به صرف انجام پژوهش‌های آزمایشگاهی نمی‌توان مدعی شناخت شخصیت انسان شد. این روش واتسون، قسمت‌های مهمی از روان‌شناسی را کنار گذاشته است. تأکید اولیه رفتارگرایی بر عینیت محض است و از گسترش پژوهش به فرایندهای احساس و ادراک جلوگیری می‌کند (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۶۸).

۱-۳-۴-۲. ماشین‌گرایی

دیدگاه رفتارگرایی انسان را موجودی خشک و بی‌روح مانند ماشین می‌داند. اگر تمام اجزای ماشین سالم باشد ماشین قادر به حرکت است و اگر در قسمتی از ماشین خللی ایجاد شود قادر

به حرکت نیست. رفتارگرایان انسان را یک ماشین می‌دانند و بیان می‌دارند که مفاهیمی مشترک بین انسان و ماشین وجود دارد. ماشین نیز همانند انسان قصد و احساس ندارد و انسان نیز کاملاً همانند ماشین درون‌داد^{۲۸} و برون‌داد^{۲۹} دارد که ما آن‌ها را به صورت محرک و پاسخ می‌بینیم (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۵۲).

۳-۴-۳-۱. سطحی بودن

این رویکرد بسیار آسیب‌پذیر است، زیرا فقط در حیطه رفتار است. نمی‌توان موضوع مورد مطالعه روان‌شناسی را صرفاً «رفتار» دانست، زیرا به موجب آن، واقعیت ابعاد مختلف روانی، چون انگیزه‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های دیگر ادراکی و انگیزشی، از مطالعه روان‌شناختی خارج می‌شود و قلمرو روان‌شناسی، محدود و منحصر به رفتار خشک و بی‌معنا خواهد شد. اگر ابعاد مختلف روانی از راه تجربه درونی مورد توجه باشد و با رفتار، تحت عنوان تجلیات ابعاد ادراکی و انگیزشی برخورد شود و نیز قانونمندی و ارتباطش با سایر ابعاد مختلف روانی مورد مطالعه قرار گیرد، رفتار مورد تحقیق روان‌شناسی، رفتاری است معنادار که از ابعاد روحی و شخصیتی فرد حکایت می‌کند. با نادیده انگاشتن بخش مهمی از ابعاد روانی انسان چگونه می‌توان رفتار انسان‌ها را پیش‌بینی یا مهار کرد؟ (شکرشکن، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸).

۴-۴-۳-۱. تأکید بر یافته‌های عینی

هدف رفتارگرایان ایجاد شاخه‌ای از روان‌شناسی بر اساس یافته‌های تجربی بود؛ یعنی اطلاعاتی که از رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری به دست می‌آمدند. روشی که این افراد بر آن تأکید می‌ورزند و بیش از اندازه برای آن اصالت قائل‌اند، صرفاً می‌تواند واقعیت‌های مادی را مورد تحقیق قرار دهد، ولی همان‌طور که اثبات گردیده است، موضوع روان‌شناسی فراتر از این است و نمی‌توان تنها به این روش بسنده نمود (شکرشکن، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸).

۴-۱. رویکرد انسان‌گرایی

در آغاز سال ۱۹۶۰ جنبشی نو توسط مازلو^{۳۰} در روان‌شناسی پدید آمد (دوان پی. شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۲۹). این جنبش که نیروی سوم در روان‌شناسی به شمار می‌آید، انسان‌گرایی^{۳۱} نام گرفت. این

28. input

29. output

30. Maslow

31. Humanism



جنبش، ادامه یا شکل تجدید نظر شده مکتب‌های پیشین نبود، بلکه چنان‌که از نامش پیداست، نظریه‌ای تازه در روان‌شناسی بود که با مکاتب پیشین تفاوت‌های چشم‌گیر داشت (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۷۷).

انجمن روان‌شناسان انسان‌گرای آمریکا این نهضت را چنین تعریف کرده‌اند:

” روان‌شناسی انسان‌گرا شیوه‌ای است که همه روان‌شناسی، و نه حیطه خاصی از آن را در بر می‌گیرد و بر اصولی همچون احترام به ارزش‌های فرد، عدم تعصب به روش‌های پذیرفته شده دیگر و علاقه‌مندی به کشف جنبه‌های جدید رفتار انسان تکیه دارد. این روان‌شناسی بیشتر به موضوعاتی نظیر عشق، خلاقیت، حالت طبیعی و غیرتصنعی انسان می‌پردازد که جای کمی در نظام‌ها و نظریات موجود داشت (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۳۵).

انسان‌گراها با توصیف انسان به صورت یک ماشین که به محرک‌ها پاسخ دهد موافق نبودند. همچنین با نظریه جبرگرایی فروید و تأکید او بر شناخت ماهیت انسان بر اساس تجربه بیماران روانی و اصرارش بر برخی غرایز و نیازهای زیستی به عنوان مفهوم سلامت روانی، مخالفت ورزیدند (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۷۸). مازلو نیازهای انسانی را در پنج سطح طبقه‌بندی کرد که به هرم مازلو شهره است. هرم مازلو یک نظریه انگیزشی در علم روان‌شناسی است. این هرم که به آن نظریه انگیزشی مازلو نیز گفته می‌شود، بیان می‌دارد که در هر سطح، نیازهای خاصی وجود دارند که به فرد امکان احساس رضایت درونی را می‌دهند. مازلو عقیده داشت که ما پس از برآوردن نیازهای اولیه ادامه حیات، به سمت نیازهای روان‌شناختی بالاتر حرکت می‌کنیم (اسپنسر راتوس، ۱۳۸۳، ص ۴۹۳). مازلو بر این باور بود که افراد زمانی به اختلالات دچار می‌شوند که در راه رسیدن به خودشکوفایی ناکام می‌مانند. افرادی که احساسات واقعی خود را انکار می‌کنند، تجربه‌های خود را اشتباهاً به افراد دیگر یا به منابع ناشناخته نسبت می‌دهند (اسپنسر راتوس، ۱۳۸۳، ص ۶۶۰).

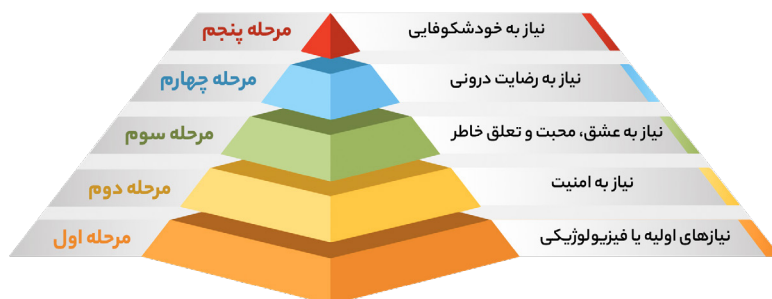
در این مکتب انسان به منزله یک شخص، به عنوان فردی، مطرح است با مشکلات و مسائل شخصی و منحصر به فرد که بر تجارب و عملکرد او به صورت یک کل تأکید می‌شود و باید



محور اساسی مباحث روان‌شناسی را تشکیل دهد (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۰۵). برای درک بهتر شخصیت از این دیدگاه، مفاهیم اصلی این نظام درباره شخصیت آدمی ذکر خواهد شد.

۱-۴-۱. تمرکز بر شخصیت سالم

قبل از مازلو تمرکز مطالعات روان‌شناسی بر شخصیت افراد نابهنجار بود. بدیهی است زمانی که به مطالعه افراد معلول روانی پرداخته شود، یک روان‌شناسی ناقص به دست می‌آید. مازلو توجه خود را به سمت انسان‌های سالم برد و بدین وسیله تصور کاملی از انسان‌های سالم ارائه می‌دهد. به عقیده وی انسان سالم به لحاظ شخصیتی یکپارچه است و از قید ترس‌ها و اضطراب‌ها و... آزاد است. مازلو باور داشت که انسان‌ها می‌توانند توجه خود را به هر نوع کاری که به آن‌ها عرضه می‌شود معطوف نمایند. به نظر او هر زمان انسان به خویشتن خویش نزدیک شود، از آن گونه بودن که دیگران انتظار دارند فاصله گرفته است و خود را به فعلیت می‌رساند (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۶۵).



سلسله مراتب نیازهای مازلو

۲-۴-۱. انگیزش

مهم‌ترین مفهوم فرایندی در نظریه مازلو انگیزش است، یعنی نیازهای فطری، موجب انگیزش می‌شوند (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۸۸). شرط دست یافتن به تحقق خود، ارضای چهار گروه از نیازهاست: نیازهای جسمی^{۳۲}، نیازهای ایمنی^{۳۳}، نیازهای محبت و احساس وابستگی^{۳۴}، و نیاز به احترام^{۳۵}.

۳۲. نیازهای جسمانی عبارت است از نیاز آشکار به غذا، آب، هوا و تمام نیازهایی که برای بقا لازم است. لذا این نیازها نیرومندترین و اساسی‌ترین نیازها هستند.

۳۳. نیازهای ایمنی عبارت‌اند از ثبات، حمایت، نظم و رهایی از اضطراب.

۳۴. با ارتباط نزدیک و مهرآمیز با مردم نیاز محبت‌مان را برآورده می‌نماییم.

۳۵. بعد از برآورده شدن سایر نیازها به احساس احترام نیاز پیدا می‌کنیم که خود دو گونه است: ۱. احترام دیگران به ما؛ ۲. احترام خود به خویش.



(ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۸۵-۸۶). هر نیازی باید به نوبه خود ارضا شود پیش از آن که نیاز بعدی سلسله مراتب نیازها بروز کند و ما را برانگیزاند (دوان پی. شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۳). اگر تمام نیازها را برآوریم، به سوی عالی‌ترین نیاز یعنی تحقق «خود» روی می‌آوریم (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۸۳-۸۵) و طبیعی است هر زمان که این نیازها برآورده نشود انسان دچار اختلالات رفتاری می‌گردد (اسپنسر راتوس، ۱۳۸۳، ص ۶۶۰).

۱-۴-۳. خودشکوفایی

مازلو همه انسان‌ها را در آغاز تولد دارای سرشتی می‌داند که دربردارنده توانایی‌های بالقوه و نیازهای شبه‌غریزی است. افزون بر این، همه انسان‌ها برای شکوفا کردن این توانایی‌های بالقوه گرایشی دارند (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۸۲)، یعنی انسان‌ها قادرند تمام استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت برسانند (دوان پی. شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۳). مفهوم انسان خودشکوفایی نسبی است که از نخستین صفات خودشکوفایی یعنی دانستن تا والاترین مراحل که مازلو ذکر کرده است، یعنی تجربه اوج را در بر می‌گیرد (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۹۲). افراد خودشکوفای روان‌رنجوری رهاوند و به عقیده مازلو تنها یک درصد جامعه را تشکیل می‌دهند (دوان پی. شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۳).

۱-۴-۴. ارزیابی رویکرد انسان‌گرایی

نظریه انسان‌گرایی مزایای متعددی دارد، به طوری که مورد استقبال معلمان قرار گرفت، زیرا دیدی خوش‌بینانه از دانش‌آموزان و استعدادشان برای آموختن به دست می‌دهد (شکرشکن، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۴۸۰-۴۸۱). با این حال، این رویکرد با اشکالات اساسی روبه‌روست که در ادامه به اختصار به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲-۲۴۲).

۱-۴-۴-۱. محدودیت توجه

در این دیدگاه، مازلو تحقیق خود را متوجه افراد سالم کرده است و به نظر نمی‌رسد این نظریه بر احوال انسان‌های ناسالم و محروم که دچار اختلال جدی کارکرد، محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی‌اند منطبق باشد (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۴-۲۱۹).

۱-۴-۴-۲. عدم صحت مراتب نیازها

شایسته بود ایشان در ابتدا فطرت را از غریزه و شناخت را از گرایش جدا کند، زیرا مسلم است که انسان‌ها در کنار غریزه، از فطرت برخوردارند. در انسان هم گرایش به غریزه و هم گرایش به



فطرت وجود دارد (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲-۲۲۳). با وجود فطرت در انسان سلسله مراتب نیازهای انسان متفاوت می‌گردد. ضمن این‌که بیشتر روان‌شناسان نتوانسته‌اند این سلسله مراتب را اثبات نمایند (دوان پی. شولتز و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۳۵).

۱-۴-۳. تک‌بعدی بودن

در این نظریه بر وجود تنها یک ویژگی یا حالت درونی تأکید می‌شود و اصولاً تحلیل‌های تک‌بعدی برای توضیح‌پذیری و تنوع زیادی که در رفتار آدمی وجود دارد، دشواری فراوانی ایجاد می‌کند (ابوترابی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲-۲۲۳). به علاوه، از ویژگی‌های تک‌بعدی بودن این است که به عواملی چون تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیار کم اهمیت می‌دهند (شاملو، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵).

۲. رویکرد قرآنی

همان‌طور که گفته شد، به‌رغم آن‌که روان‌شناسی جدید ادعای نفوذ در اعماق وجود انسان را دارد، هیچ‌گاه نتوانسته است رویکردی جامع به بیماری اختلالات رفتاری داشته باشد. ترکیب انسان از روح و بدن با همه اجزا و ابعاد و ویژه‌اش، حقیقی است نه اعتباری. بنابراین انسان وجود واقعی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۹). به تعبیر شهید مطهری، «انسان یک موجود مرکب است. این حقیقت را نباید فراموش کرد که در انسان واقعاً دو «من» حاکم است» (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۳۴). با توجه به این ویژگی منحصر به فرد انسان، انسانیت تا به یک مبدأ و نقطه‌ای فراتر و بالاتر و عمیق‌تر از خرد انسانی متصل نباشد نمی‌تواند رویکردی صحیح نسبت به اختلالات رفتاری بیان نماید. از سویی دیگر، بیشتر آدمیان در آن حد از کمال و توانایی نیستند تا بتوانند رویکردی جامع و کامل برای شناخت اختلالات رفتاری بیان نمایند.

از دیگر سو، فراوانی نیازهای آدمی او را وادار می‌دارد که به زندگی اجتماعی تن دهد. وی در زندگی اجتماعی، نیازمند قانونی است که ویژگی‌های حق‌مداری، الزام‌آور بودن عمومی، محفوظ ماندن از تغییرات بنیادی و قابلیت اجرایی داشته باشد تا عدالت اجتماعی را به ارمغان آورد (مرویان حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۵). این سنن و قوانین، واسطه‌ای بین نقص انسان و کمال اوست، که با شناخت آن‌ها می‌تواند نگرشی استوار به زندگی پیدا کند. دقت در این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که در نهاد دین می‌توان این ویژگی‌ها را در حد مطلوب‌تری یافت. پروردگار



متعال که خالق آدمی است، قوانینی برای زیست بشری قرار داد که بر اصل توحید استوارند و اساس آن را توحید نهاد، که در نتیجه، هم عقاید بشر، هم اخلاق، و هم رفتار بشر را اصلاح می‌کند. به عبارتی دیگر، اساس قوانین را دین قرار داد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۸۹). به تعبیر آیت الله جوادی آملی، انسانیت انسان و اصالت وجودی اش وابسته به قانونی می‌باشد که مطابق با فطرت است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۸) و قانون‌گذار الهی، بدین وسیله انسان‌ها را به سمت اهداف آفرینش سوق می‌دهد. در نظام معرفتی قرآن می‌توان اهداف آفرینش انسان را بدین ترتیب کنار یکدیگر قرار داد:

۱-۲. عالم شدن

ابتدایی‌ترین هدف آفرینش جامعه بشری را می‌توان عالم شدن در نظر گرفت، چراکه خداوند فرمود: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق/۱۲). این آیه بیانگر این است که ذات اقدس اله، مجموعه آسمان و زمین و... را خلق کرده است تا انسان عالم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۶۵). به تعبیر مفسران، «لتعلموا» اشاره به هدف خلقت در بخش علم است (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۸).

۲-۲. آباد نمودن زمین

در مرحله ثانوی، خداوند از جامعه بشری خواسته است تا بعد از عالم شدن به آباد کردن زمین همت گمارند: ﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾ (هود/۶۱). به تعبیر بزرگان، «استعمار» از واژه‌های بسیار لطیف و شیرین و پربرکت قرآن کریم است. «الف، سین و تاء» در «استعمرکم» برای طلب و تحقیق است، نظیر استجابت. «استعمرکم» یعنی خداوند زمین را با همه نعمت‌های آن مانند آب و خاک و عناصر فراوان و مناسب آفرید و این سفره را برای انسان‌ها پهن نمود و از انسان خواست که زمین را برای خود آباد کند و مستقل باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۵). کلمه «عمارَت» به معنای آباد کردن چیزی است تا اثر مطلوب را دارا شود (راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۸۶). به همین دلیل، خداوند انسان را خلق نمود و برای او این هدف را در فطرتش قرار داد تا به مرور زمان با تصرفاتی که در زمین دارد به آباد کردن آن پردازد و احتیاجات خود را برطرف نماید (طباطبایی، ۱۳۷۸،



ج ۱۰، ص ۳۰۹-۳۱۱) و به یقین خداوند در آباد کردن زمین انسان را یاری می‌دهد، زیرا از سویی، همه هدف‌های فراوی انسان را مشخص و اندازه‌گیری کرد، و از سوی دیگر، راه و ابزار حرکت را فراهم نمود و از سوی سوم، ساختار درونی وی را با موهبت نیاز و خردورزی هماهنگ و مجهز ساخت، تا با به کار بستن آن‌ها و پیمودن راه درست به مقصد برسد. چنین فرایندی هدایت کامل است (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۳۹، ص ۳۷-۳۸). با آباد شدن زمین به دست انسان عالم، زمینه بندگی خداوند که هدف دیگر خلقت انسان است فراهم می‌گردد.

۳-۲. عبادت‌گری برای خالق

نتیجه عالم شدن و آباد نمودن زمین این خواهد بود که آدمی به بندگی خداوند روی خواهد آورد. لذا مشاهده می‌نماییم که خداوند در نهایت اختصار و فشرده‌گی، با آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶)، پرده از حقیقتی که همه انسان‌ها خواهان آگاهی از آن‌اند، برمی‌دارد و به این سؤال اساسی چنین پاسخ می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین اهداف آفرینش انسان عابد شدن اوست (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۳۸۶-۳۸۹). عبادت به معنای اطاعت است و اطاعت یعنی تنظیم کارها و انجام رفتارها بر اساس رهنمود خدا (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۳۰۸). به گفته مفسران بزرگ، عبادت نیز هدف متوسط است و هدف نهایی لقای خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص ۳۹۱).

۴-۲. غفلت از اهداف، سرمنشأ اختلالات رفتاری

با توجه به این چينش اهداف می‌توان ادعا نمود از نظر قرآن کریم ریشه تمام مفاسد روحی و روانی به یک چیز برمی‌گردد، و آن غفلت از اهداف خلقت به‌ویژه هدف نهایی خلقت آدمی، یعنی فراموشی خداوند است.

«غفلت» واژه‌ای عربی به معنای ترک کردن چیزی (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۳) یا بی‌خبری از امری مهم است. در سوی مقابل آن، مفاهیم هوشیاری، توجه و آگاهی قرار دارد. به تعبیر دیگر، غفلت یعنی برگرداندن توجه ذهن از امری که شایسته توجه است (قراملکی، ۱۴۰۰، ص ۲۶۱) و غافل به شخصی اطلاق می‌گردد که غفلت و بی‌خبری در وی جا گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۵۷۲). غافل همان گروهی‌اند که خود اصلی را رها نموده و یاد خدا را از دست داده‌اند (مجادله/۱۹).

در آموزه‌های حدیثی نیز غفلت به عنوان گمراه‌کننده جان‌ها و سرمنشأ انواع رفتارهای اختلال‌گونه



آدمی معرفی شده است، چراکه امیر بیان، علی علیه السلام فرمود: «الغفلة ضلال النفوس وعنوان النحوس؛ غفلت سبب گمراهی جان‌ها و سرمنشأ انواع بدبختی‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۵)، زیرا غفلت از نزاهت روح، غفلت از جان خود شخص است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۳-۳۹۴). غفلت از هویت، هدف وجود، باطن و دل و روح انسانی، نسیان نفس و فراموشی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰، بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۱/۲۹). آنان که خدا فراموشی را پیشه خود ساختند، خداوند نیز به خود فراموشی گرفتارشان کرد: ﴿كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾ (حشر/۱۹). «نسیان» مصدر فعل «نسوا» به معنای زایل شدن چیزی است که در صفحه خاطر انسان نقش بسته و اکنون از ذهن رفته است (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص ۱۳۳). نسیان الهی، بر اساس ادله عقلی و نقلی و قراین داخلی و خارجی، همان تناسی و رها کردن عمدی است (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۲۹، ص ۴۷). اما به صورت مطلق هم استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۱۹).

انسان همواره در حال سیر به سوی خداست و توقفی در این راه ندارد. لکن زمانی که انسان از این مسیر که مطابق با فطرت است غافل گردد، لازمه آن این است که حقیقت خویش را فراموش می‌کند و مجاری درونی خود را از دست می‌دهد (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص ۶۸۳-۶۸۴)، لذا اهداف آفرینش را نیز دنبال نمی‌کند. به تعبیر دیگر، خدا فراموشی خود فراموشی می‌آورد (زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹۰)، همان‌گونه که نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ هر که خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است» (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۴۰۰، ص ۱۳). این حدیث عکس نقیض آیه قرآن است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص ۱۴۵) و می‌خواهد بفرماید بین خدایی که دارای اسمای حسنی است و انسان، رابطه وجودی برقرار است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۴).

زمانی که انسان‌ها خدا را فراموش کردند، خدا هم نفوسشان را از یاد می‌برد، یعنی خودشان را از یاد می‌برند. لذا به فکر خویش نیستند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰). پیداست وقتی انسان وابسته و دلدا ده دنیا شد و در لذات مادی و حیوانی فرو رفت و هدفش را فراموش کرد، کم‌کم توجهش از درون کم می‌شود تا جایی که اصلاً به درون ذات خود نمی‌پردازد و در واقع، حقیقت خود و اهداف آفرینش خود را فراموش می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۸). زمانی که انسان به مرحله‌ای رسید که حقیقت خود را فراموش نمود، همه ادراکات حقیقی و اندیشه‌ها و



علوم ناشی از کمالات حقیقی خود را از یاد می‌برد و به سمت جاهی می‌شتابد که باطن آن چاه است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ ب، ص ۲۱۶)، و این همان وادی اختلالات رفتاری است.

آن زمان که انسان آهنگ وجودی خدا را در زندگی خود فراموش نمود، طبیعی است که خود را فراموش خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص ۶۸۳)، چراکه فراموشی پروردگار سبب می‌شود انسان در لذات مادی و شهوات حیوانی فرو برود و هدف آفرینش خود را به دست فراموشی بسپارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۴۰) و به این ترتیب، هویت و واقعیت خود را فراموش می‌کند (بهشتی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۱). نتیجه این می‌شود که بر نفس خود اعتماد می‌کند و خود را مستقل می‌داند که در واقع چنین نیست (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۲۰). او واقعیت، هویت و هدف خود را نشناخته است و در مسیر اهداف مهمی که خداوند برای انسان قرار داده است قرار نمی‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج ۲۹، ص ۵۹)، لذا به سمت اهداف خیالی حرکت می‌نماید. بدین جهت، در سیره عملی نبی گرامی اسلام مشاهده می‌نماییم که با روش‌هایی نظیر تقویت ایمان، رعایت احترام متقابل، گسترش صداقت و مهربانی، و روحیه بخشی تلاش در از بین بردن غفلت نموده‌اند (علوی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷-۲۷۴).

به اذعان بسیاری از بزرگان دینی، هر زمان که تَلَاوُ انوار الهی از زندگی آحاد جامعه رخت بربست، انسان به خود وا گذاشته خواهد شد و اهداف اصلی‌اش را رها می‌سازد و به سمت اهداف خیالی حرکت می‌کند. این افراد همان‌هایی‌اند که خداوند در مورد آن‌ها می‌فرماید: ﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾؛ آن‌ها تنها ظاهری از زندگی دنیا می‌دانند (روم/۷). این‌گونه افراد می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند، درحالی‌که چنین نیست^{۳۶}. چنین افرادی تنها به نتایج خیالی و لذا بدی مادی سوق پیدا می‌کنند و می‌پندارند که این لذات زودگذر مادی است که سبب خوشبختی آن‌ها می‌گردد. لذا به جای خدمت که فراوان در آیات و روایات نسبت به آن سفارش شده است و سبب تعالی روح و جسم آدمی می‌گردد^{۳۷}، خیانت می‌کنند

۳۶. ﴿الَّذِينَ صَلَّوْا سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُخْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُخْسِبُونَ ضَعْفًا﴾ (کهف/۱۰۴)؛ همان کسان که کوشش ایشان در زندگی این دنیا تلف شده و پندارند که رفتار نیکو دارند.

۳۷. در قرآن از زبان حضرت عیسی می‌خوانیم: ﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ﴾ (مریم/۳۱)؛ «و مرا هر جا که هستم، پربرکت قرار ده». حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مقصود از «جَعَلَنِي مُبَارَكًا جَعَلَنِي مُبَارَكًا نَفْعًا» است، یعنی خدا! مرا بسیار سودمند و نفع‌رساننده (به مردم) قرار بده» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۱۸).

«يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِضَعْفَاءِ مُجْتَبِنَا وَأَهْلِ وَلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تَبَجَانِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بَهَاءٌ، قَدْ أَثْبَتَتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ؛ آن دسته از علما و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقه‌مندان ما تلاش کرده‌اند، روز قیامت در حالی وارد صحرای محشر می‌شوند که تاج کرامت بر سر نهاده‌اند و نورشان همه جا را روشنایی می‌بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره‌مند خواهند شد». البته باید توجه داشت که میزان فایده



و به جای نوع دوستی که سطح عالی روابط انسانی است و شامل عفو، گذشت، بخشش، مهر، عطوفت، نیکی و... است، به خودکامگی روی می آورند. اینان به جای مساعدت با مردم به دزدی و اختلاس می پردازند و به جای این که نگاهی امانت گونه به مسئولیت و منصب داشته باشند، آن را امتیاز ویژه ای برای خود می دانند.^{۳۸}

برخی افراد ممکن است این گونه اشخاص را عاقل بدانند، ولی در واقع این گونه نیست. این افراد اگر در دنیا متوجه این بیماری خود نگردند، در قیامت متوجه وجود این اختلالات رفتاری در خود خواهند شد و به تعبیر بزرگان، در آن جاست که می فهمد که دیوانه است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ ج ۳، ص ۲۹۹-۳۰۰).

با مراجعه به آیات قرآن این نکته نیز واضح می گردد که انسان هایی که دچار اختلالات رفتاری می شوند علاوه بر این که سرمایه وجودی خود را از دست می دهند، باعث از بین بردن سرمایه وجودی دیگران نیز می شوند. به تعبیر قرآن، «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ...» (زمر/۱۵). علامه در تفسیر گران سنگ المیزان می فرماید: خسارت نفس و اهل به این معناست که انسان نفس آدمی را در معرض هلاکت و بدبختی قرار می دهد، به طوری که استعداد کمالش از بین می رود و سعادت دنیا و آخرت از او و دیگران زایل می شوند (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۲۴۸-۲۴۹).

۲-۴-۱. نمونه هایی از اختلالات رفتاری

در منابع تخصصی، نمونه هایی از اختلالات رفتاری بیان شده است که با توجه به مبانی پیش گفته، آموزه های دینی ریشه آن ها را غفلت از هدف اصلی آفرینش تحلیل می نمایند: «الغفلة ضَلَالُ النَّفْسِ وَعنوانُ التُّحُوسِ؛ غفلت و بی خبری، گمراهی نفوس و سرآغاز نحوست هاست»

▶ عالمان دینی در مسیر هدایت مردم متناسب با مراجعه و پیروی مردم از آن ها خواهد بود. (شهید ثانی، ۱۴۰۹، ص ۱۱۹).

۳۸. مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی های خود این مطلب را این گونه بیان می کنند: «نگاه اسلام به زمامداران و مسئولان جامعه، بسیار سخت گیرانه است. چنان نیست که قبول مسئولیت امتیازی ویژه قلمداد شود و مردم از هر سو برای رسیدن به آن بشتانند. مسئولیت در اسلام امانتی الهی است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نامه ۵ نهج البلاغه خطاب به اشعث بن قیس، از کارگزاران حضرت در آذربایجان، این گونه می فرماید: «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُقُوبِكَ أَمَانَةٌ»، یعنی حکمرانی برای تو طعمه نیست، بلکه امانتی بر عهده ات است». رهبر انقلاب در این باره خطاب به مسئولان می فرمایند: «مسئولیت و منصبی که در نظام اسلامی داری، طعمه و سرمایه و کاسبی نیست - اشتباه نشود - مسئولیت در نظام اسلامی باری بر دوش انسان است که باید آن را به خاطر هدف و نیتی تحمل کند». برداشت صحیح از مسئولیت اسلامی این چنین است... بعضی مان این جور هستیم؛ به مجرد این که یک مسندی، یک جایی، یا خالی می شود یا ممکن است خالی بشود، فوراً چشم می دوزیم که برویم آنجا! (خامنه ای، ۱۳۹۸) بیانات رهبری، ۱۰/۰۹/۱۳۹۸



(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۵). به تعبیر مقام معظم رهبری، «عمده اشکالات ما به خاطر غفلتی است که از رفتار و اعمال خودمان می‌کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲) (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۲۵). برای نمونه: ۱. در منابع تخصصی، مواردی چون افسردگی، اضطراب و ترس، اختلال رفتاری بیان شده است (نلسون و دیگران، ۱۳۸۷) که در آموزه‌های اسلامی درمان آن را «ذکر» دانسته‌اند، زیرا عامل آن غفلت است و درمان غفلت یاد خداوند است^{۳۹}.

۲. در برخی کتب دیگر، بیش‌فعالی، روان‌پریشی و مشکلات ذهنی، اختلالات رفتاری به شمار آمده‌اند (فرقانی رئیسی، ۱۳۸۰)، که امیرالمؤمنین (علیه السلام) درمان آن را «ذکر و یاد خداوند» دانسته‌اند^{۴۰}.

۳. دزدی، شرب خمر و مشکلات جنسی، تعدادی دیگر از اختلالات رفتاری است (سیف نراقی، ۱۳۹۸) که حضرات معصومان (علیهم السلام) یادآور می‌شوند مادامی که افراد از یاد خداوند غافل نگردیده باشند مبتلا به این اختلالات رفتاری نمی‌شوند^{۴۱} و در زمان غفلت مبتلا به این اختلالات می‌گردند. ۴. با توجه به این رویکرد می‌توان این‌گونه ادعا نمود که رفتارهایی نظیر شرک و نفاق که روان‌شناسان علوم رفتاری آن را در زمره اختلالات رفتاری نیاورده‌اند، در واقع نوعی اختلال است، زیرا باعث می‌شود انسان‌های بریده از مبدأ و معاد نتوانند از عوامل مهلک و مخرب بر حوزه شخصیت خود جلوگیری نمایند (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص ۶۸۴)، در نتیجه، او را وارد وادی اختلالات رفتاری می‌نماید.

در طرف مقابل، هر زمان آهنگ خدا بر سرزمین وجودی انسان‌ها حاکم گردید و زمزمه‌های ترنم وحی بر جان آدمی حکمفرما شد، اهداف زندگی انسان‌ها از قوانین فردی و اجتماعی قرآن (اسراء/۹) با راهنمایی‌های اولیای الهی همچون فانوسی در اقیانوس پرتلاطم زندگی می‌درخشد

۳۹. پیامبر (ص) فرمود: به هر که ناراحتی، غم یا بلا و شدتی برسد، باید بگوید: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۱۹۵).

۴۰. امام علی (ع) فرمود: «مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ شُبِّحَ أَنْفَهُ أَخْبَى اللَّهُ قَلْبَهُ وَنَوَّرَ عَقْلَهُ؛ هر که خدای سبحان را یاد کند، خدا دلش را زنده دارد و خردش را نیرو و روشنی بخشد» (لثیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۸).

۴۱. امام باقر (ع) فرمود: إِذَا زَنَى الرَّأْيِي خَرَجَ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ فَإِنْ اسْتَعْفَرَ عَادَ إِلَيْهِ. قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَزْنِي الرَّأْيِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرِبُ الشَّارِبَ حِينَ يَشْرِبُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقَ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: وَكَانَ أَبِي ﷺ يَقُولُ: إِذَا زَنَى الرَّأْيِي فَارَقَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ. قُلْتُ: فَهَلْ يَبْقَى فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ شَيْءٌ مَا أَوْ قَدْ انْخَلَعَ مِنْهُ أَجْمَعُ؟ قَالَ: لَا بَلْ فِيهِ فَإِذَا قَامَ عَادَ إِلَيْهِ رُوحُ الْإِيمَانِ؛ هنگامی که زانی مشغول زناست، حقیقت و روح ایمان از دل او بیرون شده است، پس اگر آمرزش طلبد، آن روح به او باز گردد. و گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: زناکار در حین زنا ایمان نخواهد داشت و مؤمن نیست، و مگسار در حین شرب مؤمن نیست، و سارق (دزد) حین سرقت مؤمن نخواهد بود. امام باقر (ع) فرمود: پدرم می‌فرمود: هرگاه زناکار مشغول عمل شود روح ایمان از او مفارقت کند، گوید: پرسیدم: آیا از ایمان اندکی در قلب او می‌ماند یا این‌که جملگی از او کناره می‌جوید؟ فرمود: نه بلکه علاقه‌اش باقی است، چون برخیزد یا توبه کند باز خواهد گشت». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۲).



و همچون آهن ربایی باعث می‌گردد تا تمامی آحاد جوامع انسانی به سمت آن اهداف حرکت نمایند. با حرکت به سمت اهداف حقیقی، سرمایه‌های وجودی آدمی در مسیر درست رسیدن به این اهداف صرف می‌گردد و زندگی متعادل در جوامع انسانی حکمفرما می‌شود.

۳. مقایسه تطبیقی رویکرد قرآنی با رویکردهای علوم انسانی

نظریه‌پردازی علمی قرآن خبر دادن قرآن از حقایق علمی قبل از تأیید آن در علوم است که گاهی موجب توسعه یا تضییق حوزه‌ها و ابعاد علم می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۵۹). از جمله حوزه‌هایی که قرآن کریم در خصوص آن نظریه‌پردازی نموده است، نظام‌سازی سیاسی، تربیتی، اجتماعی و مانند آن با روش تفسیر موضوعی است که می‌تواند در جایگاه نظریه‌های علمی قرآن مطرح شود، چراکه شامل عناصر نوآمد و متمایز از نظام‌های همخوان در علوم جدید است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۵۹).

در موضوع رویکرد قرآن به اختلالات رفتاری، کتاب وحی الهی بر استفاده از تعالیم مربوط به علوم انسانی در ارائه رویکردی جامع نسبت به اختلالات رفتاری به مثابه پشتیبان تأکید نموده است. رویکرد قرآنی با وجود نقدهای بنیادینی که به دیگر رویکردهای علوم انسانی دارد، بین مؤلفه‌ها و آثار مثبت سایر رویکردها هماهنگی و انسجام ایجاد می‌نماید. بر این اساس، رویکرد قرآن کریم به اختلالات رفتاری، آسیب‌شناسی لازم برای زمینه‌ها و عوامل پیش‌آمده این اختلالات را مطرح می‌کند و راهبردهای پیشگیرانه و درمانی را ارائه می‌نماید. این رویکرد ضمن حفظ نقاط قوت سایر رویکردها به موضوع اختلالات رفتاری، از نقدهای وارد بر آن‌ها مصون است و رویکردی مستدل و قابل قبول برای اختلالات رفتاری بیان می‌کند.

در مقام مقایسه، رویکرد قرآنی در برخی مواضع، با رویکردهای علوم انسانی همگرایی دارد، همچون همگرایی با رویکرد رفتاری که اعلام می‌دارد فرزندان تأثیرپذیر از رفتار و عملکرد والدین و محیط پیرامونی‌اند^{۴۲}. در برخی مواضع، نقش واگرایی با رویکردهای علوم انسانی نشان می‌دهد، همچون واگرایی با رویکرد روان‌تحلیلی فروید در باور به ذاتی بودن غریزه جنسی (شکرشکن، ۱۳۹۹) و در برخی مواضع نیز همچون رویکردهای بیولوژیک و انسان‌گرایی به توسعه پرداخته است (ابوترابی، ۱۳۸۰).

۴۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمْ اللَّهُ بِهِ»؛ به کودکان خود آنچه را خداوند سودمندشان قرار داده است، بیاموزید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۷).



نتیجه‌گیری

رویکردهای بیولوژیکی، روان‌تحلیل‌گری، رفتاری و انسان‌گرایی در مقوله اختلالات رفتاری توصیه‌هایی را مبتنی بر نگرش خویش به انسان ارائه کرده‌اند که به‌رغم کارآمدی در مواردی خاص، با یکدیگر تنافی و اختلافات پایه‌ای دارند. نکته اساسی آن است که این رویکردها انسان را تک‌ساحتی دیده و یا اگر به روان در کنار جسم توجه کرده‌اند، آن را انعکاسات و پیامدهای جسم تحلیل نموده‌اند، درحالی‌که در نگاه وحیانی، واقعیت آدمی ترکیبی از جسم و روح است که حقیقت آن به روح برمی‌گردد. روح و فطرت، ظرف توجه به حقایق والای انسانی و مخاطب آرمان‌ها و اهداف آفرینش انسان و ترسیم آینده مطلوب است. بر اساس رویکرد قرآنی، سرمنشأ پیدایش اختلالات رفتاری، فراموش نمودن اهداف آفرینش انسان یا کم‌توجهی به آن‌هاست. با توجه به آموزه‌های دینی، اساسی‌ترین توصیه پیشگیرانه و درمانی در مواجهه با اختلالات رفتاری، بازسازی فرایندهای ذکر و توجه به خداوند است و سایر درمان‌های موجود هنگامی نقش درمان‌گری خود را به‌درستی ایفا می‌کنند که یاد خداوند در نهاد آدمی پایدار باشد. در مقام مقایسه می‌توان گفت که رویکرد قرآنی ضمن تأیید نقاط قوت سایر رویکردها، نسبت به رویکرد بیولوژیک و انسان‌گرایی نگاه توسعه‌ای داشته است و رویکرد رفتاری را در برخی موارد تأیید می‌کند و رویکرد روان‌تحلیل‌گری را در بعضی مواضع به نقد می‌کشد.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی).
۱. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دار الفکر - دار صادر.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابوترابی، علی. (۱۳۸۶ش). **نقد ملاک‌های نابهنجاری در روان‌شناسی با نگرش به منابع اسلامی**، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. اسپنسر، راتوس. (۱۳۸۳ش). **روانشناسی عمومی**، (مترجمان: خدیجه ابوالعالی، بایرامعلی رنجگر، افسانه طاهری، علی عسکری، علی پیکانی، حسین ابراهیمی مقدم، حمید محمدی فرد، فریبا نبوی‌آل‌آقا، محمد مظفری، مهدی محی‌الدین بناب، ضیاءالدین رضاخانی). تهران: ویرایش.
۶. انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۷۹ش). **کامل فرهنگ فارسی**. تهران: زوار.
۷. انوری، حسن. (۱۳۸۷ش). **فرهنگ بزرگ سخن**. تهران: سخن.
۸. بهشتی، محمد. (۱۴۰۰ش). **آموزه‌های تربیتی قرآن کریم**. تهران: سمت.
۹. بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۹۰ش). **روان‌شناسی نوجوان**. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). **غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دار الکتاب الإسلامی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹ش). **تفسیر موضوعی قرآن کریم** (فطرت در قرآن). قم: اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله «الف». (۱۳۸۵ش). **تفسیر موضوعی قرآن کریم** (توحید در قرآن). قم: اسراء.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله «ب». (۱۳۸۵ش). **تفسیر موضوعی قرآن کریم** (صورت و سیرت انسان در قرآن). قم: اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله «ج». (۱۳۸۵ش). **تفسیر موضوعی قرآن کریم** (معاد در قرآن). قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). **تفسیر موضوعی قرآن** (مبای اخلاق در قرآن). قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵ش). **تفسیر انسان به انسان**. قم: اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۹ش). **تفسیر تسنیم**. قم: اسراء.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۱ش). **مفاتیح الحیة**. قم: اسراء.
۱۹. جولیوس گولد و دیگران. (۱۳۷۶ش). **فرهنگ علوم اجتماعی**، (ترجمه محمدجواد زاهدی و دیگران). تهران: مازیار.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، سایت <https://farsi.khamenei.ir>
۲۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۱ش). **لغتنامه**. تهران: سیروس.
۲۲. دوان پی. شولتز. سیدنی الن شولتز. (۱۳۸۴ش). **تاریخ روان‌شناسی نوین**، (ترجمه علی‌اکبر سیف و دیگران). تهران: انتشارات دوران.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامية.



۲۴. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۴ش). تفسیر موضوعی قرآن و تربیت. قم: تلاوت.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۹۶ش). مجموعه مقالات اعجاز علمی و نظریه پردازی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۲۶. زنجانی، عباس علی. (۱۳۷۷ش). فقه سیاسی. تهران: امیرکبیر.
۲۷. سیف، علی اکبر. (۱۴۰۱ش). روان شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
۲۸. سیف، علی اکبر. (۱۴۰۲ش). تغییر رفتار و رفتار درمانی؛ نظریه ها و روش ها. تهران: دوران.
۲۹. سیف نراقی، مریم و دیگران. (۱۳۹۸ش). اختلالات رفتاری کودکان و روش های اصلاح و ترمیم آن. تهران: انتشارات روان - ویرایش - ارسباران.
۳۰. شجاعی، محمد صادق. (۱۳۸۵ش). دیدگاه های روان شناختی حضرت آیت الله مصباح یزدی. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۱. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۵ش). روان شناسی تربیتی. تهران: امیرکبیر.
۳۲. شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۲ش). روان شناسی رشد. تهران: اطلاعات.
۳۳. شکرشکن، حسین و دیگران. (۱۳۹۹ش). مکتب های روان شناسی و نقد آن. تهران: سمت.
۳۴. شکوهی یکتا، محسن و همکاران. (۱۳۸۴ش). اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. تهران: طبیب، تیمورزاده.
۳۵. شکوهی یکتا، محسن و همکاران. (۱۳۸۹ش). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: چاپ و نشر ایران.
۳۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۹ق). منیه المرید، (تصحیح رضا مختاری). قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳۷. شولتز، دوان پی شولتز و دیگران، (۱۳۸۴ش). نظریه های شخصیت، (چاپ ۷). تهران: ویرایش.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۸ش). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۳۹. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، (تصحیح احمد حسینی اشکوری). تهران: مرتضوی.
۴۰. علوی، سید جعفر. (۱۳۸۵ش). «روش های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مدیریت محیط های اجتماعی»، در: سالنما ۶، (۱۳۸۵)، شماره ۲۱-۲۲. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴۱. فرقانی رئیس، شهلا. (۱۳۸۰ش). مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
۴۲. فعالی، محمد تقی. (۱۳۹۷ش). مبانی سبک زندگی اسلامی. تهران: تیماس.
۴۳. قراملکی، احد فرامرز. (۱۴۰۰ش). آینه خودیابی. مشهد: انتشارات حوزه علمیه خراسان.
۴۴. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸ش). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، (تصحیح حسین درگاهی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۴۵. لیشی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶ش). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.



۴۶. مجد، محمد. (۱۳۸۶ ش). **انسان در مسیر زندگی**. تهران: مجد.
۴۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). **بحار الأنوار**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۸. مرویان حسینی، سید محمود. (۱۳۸۳ ش). «آسیب شناسی حکومت دینی از منظر نهج البلاغه»، در: **سالنما ۴** (۱۳۸۳، شماره ۱۴). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹ ش). **آزادی معنوی**. تهران: صدرا.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). **تفسیر نمونه**. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۵۱. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم (ع). (۱۴۰۰ ق). **مصباح الشریعة**. بیروت: اعلمی.
۵۲. نلسون، ریتا ویکس و همکار. (۱۳۸۰ ش). **اختلال‌های رفتاری کودکان**. (ترجمه محمدتقی منشی طوسی). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۵۳. هیلگارد، اتکینسون و دیگران. (۱۴۰۱ ش). **زمینه روان‌شناسی**. تهران: رشد.